

اسلام و مسلمانان در اروپا و حادثه اخیر در آلمان

در ادامه سلسله مباحث اتاق فکر، در تاریخ ۲۰ مردادماه ۱۳۸۸ موضوع اسلام و مسلمانان در اروپا توسط آقای شیرغلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مشروح این گزارش در پی می‌آید:

که تا حد امکان پول به دست آورده و به کشور خود برگردند. بنابراین، این دیدگاه در ذهن آنها غالب بود که مهاجرت آنها موقتی است.

بحران نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ پایان روند بازسازی و دوره طلایی اقتصادی اروپا را رقم زد. اما روند مهاجرت مسلمانان ادامه یافت و وارد مرحله دوم شد که طی آن خانواده‌های کارگران هم به آنان ملحق شدند. با توجه به بحران مذکور، از اواخر دهه ۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی درها به روی خیل عظیم کارگران غیرماهر بسته شد اما در همان زمان، شمار همسر و فرزندان کارگران مهاجر که وارد اروپا می‌شدند به شدت افزایش یافت. گردهم آمدن خانواده‌ها سرآغاز یک دگرگونی سرنوشت‌ساز در ماهیت روابط بین مسلمانان و اروپایی‌ها بود. کارگران مهاجر اکنون خود را در تماس با مدرسه، بوروکراسی اداری و نهادهای اجتماعی می‌دیدند و دغدغه‌های آموزشی، مصرفی و البته دینی به ملاحظات اقتصادی آنها اضافه شده بود. تأسیس نمازخانه‌ها و مساجد در دهه ۱۹۷۰

در راستای بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا، ابتدا لازم است اشاراتی به تاریخچه حضور مسلمانان در اروپا در دوران معاصر و وضعیت آماری مسلمانان در اروپا شود و در ادامه ضمن بررسی الگوهای متفاوت تعامل با مسلمانان در اروپا، به ارزیابی وضعیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا پرداخته و نهایتاً به سناریوهای مطرح در خصوص چشم‌انداز آینده اسلام در اروپا اشاره شود.

۱. مهاجرت و حضور مسلمانان در اروپا در دوران معاصر
سه جریان اصلی مهاجرت، موجب شکل‌گیری اقلیت مسلمانان مهاجر در اروپای معاصر شده است. جریان نخست، دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه ۱۹۷۰ را در برمی‌گیرد. در این دوره، خیل عظیم کارگران از جهان اسلام و اروپای شرقی با هدف رفع نیاز به کارگر یدی جهت بازسازی اقتصاد اروپا در دوره پس از جنگ وارد اروپای غربی شدند. در ابتدا این کارگران به شکل تنها و مجرد مهاجرت کردند و هدف اصلی آنها این بود

نخستین نشانه ملموس این تغییر در وضعیت و ذهنیت مسلمانان بود.

مرحله سوم در تاریخچه مهاجرت مسلمانان به اروپا، با هجوم آوارگان و پناهندگان مسلمان در دهه ۱۹۸۰ آغاز می‌شود. محدودیت‌های شدید بر مهاجرت قانونی به اروپای غربی و نیز ناآرامی‌ها در حوزه بلوک شرق سابق به ویژه منطقه بالکان، مهمترین دلایل این موج سوم مهاجرت به طور عام و مسلمانان به طور خاص بود. آلمان در این مرحله بیش از سایر کشورهای اروپایی درگیر مسأله بود. ایتالیا، اسپانیا و اتریش نیز از این موج متأثر گردیده و در دهه ۱۹۸۰ به مقاصدی ثابت برای مهاجرت مسلمانان تبدیل شدند.

۲. بررسی آماری حضور مسلمانان در اروپا

مشخص نمودن شمار دقیق مسلمانان در اروپا به دلایلی بسیار دشوار است. اول، بسیاری از کشورهای اروپایی در سرشماری‌ها سؤالی در مورد دین افراد نمی‌پرسند و به جمع‌آوری اطلاعات در مورد گروه‌های مذهبی نمی‌پردازند. دوم، بسیاری از کشورهای اروپایی مایل به ارائه اطلاعات در این زمینه نیستند زیرا شمار جمعیت مسلمان برای آنها یک مسأله حساس سیاسی و حتی امنیتی است. ضمناً به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی با مبهم نگه داشتن شمار مسلمانان، مفری را برای خود جهت تزییع حقوق مسلمانان در ابعاد مختلف باز نگه داشته‌اند. سوم، تعریف جغرافیایی ثابتی از اروپا نمی‌توان ارائه داد. بسته به این که اروپا و حدود و ثغور آن چگونه تعریف شود، شمار مسلمانان، متغیر خواهد بود. چهارم، دولت‌ها و گروه‌های اروپایی از یک سو و گروه‌ها و تشکل‌های اسلامی اروپا از سوی دیگر معمولاً آمار متفاوتی را در خصوص تعداد مسلمانان در اروپا مطرح می‌کنند و آمار رسمی و غیررسمی اختلاف قابل توجهی

با هم دارد. نهایتاً، علاوه بر مهاجران قانونی و ثبت شده، تعداد قابل توجهی مسلمان در قالب مهاجران غیرقانونی در اروپا حضور دارند که تعداد آنها مشخص نیست. در نتیجه، رسیدن به یک جمع‌بندی در مورد تعداد دقیق مسلمانان اروپا بسیار دشوار و همراه با ابهام خواهد بود.

در یک جمع‌بندی غیرقطعی از آمار متعدد و متفاوتی که از سوی منابع مختلف اعلام شده و با در نظر گرفتن حضور بخشی از مسلمانان به عنوان مهاجران غیرقانونی، می‌توان در یک ارزیابی بینابینی، رقم ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر را برای تعداد مسلمانان ساکن در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی مطرح نمود. مسلمانان، بزرگترین اقلیت دینی در اروپای غربی هستند که به نظر می‌رسد حدود ۵ درصد از کل جمعیت اتحادیه اروپایی را تشکیل می‌دهند. اسلام، متأثر از تداوم مهاجرت مسلمانان و نرخ بالای زاد و ولد در میان آنها، در حال حاضر از بیشترین رشد در میان ادیان اروپا برخوردار است. شمار مسلمانان در اروپا در سی سال گذشته سه برابر شده است و بیشتر متخصصان آمار، رشد مشابه یا حتی بالاتری را برای دهه‌های آینده پیش‌بینی می‌کنند.

۳. الگوهای رفتاری انگلیس، فرانسه و آلمان در قبال مسلمانان

استقرار و تثبیت رسمی اسلام و مسلمانان یک موضوع سیاسی مهم در کشورهای اروپایی است. مسلمانان می‌خواهند که دولت‌های اروپایی جایگاه مذهبی آنها را به رسمیت بشناسند و با آنها به شکل عادلانه و منصفانه برخورد کنند. تلقی دولت‌های اروپایی از رفتار مطلوب مهاجران و نحوه پذیرش حقوق مذهبی مسلمانان تا حد زیادی در کشورهای مختلف با هم متفاوت است. نوع و اولویت دغدغه‌ها در مورد مسلمانان در هر یک از کشورهای اروپایی نیز با دیگری متفاوت است.

هدف ما این است که ببینیم سه کشور بزرگ اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) تا چه حد نیازهای مذهبی مسلمانان را تأمین نموده‌اند. سه کشور مذکور با توجه به جایگاه خود و سنت متفاوت در نحوه پرداختن به این موضوع می‌توانند به عنوان الگوهای مناسبی برای مطالعه مطرح باشند.

انگلیس

دولت انگلیس در تأمین برخی نیازهای فرهنگی و مذهبی مسلمانان نسبتاً منعطف بوده است. انگلیس در دهه ۱۹۷۰ تنوع فرهنگی را در مدارس تحت پوشش دولت پذیرفت. برنامه آموزش اجباری دینی در مدارس این کشور شامل مسیحیت و نیز یهودیت، اسلام و سیک می‌گردد. در مواجهه با مسأله دختران دارای حجاب اسلامی در مدارس دولتی، تا زمانی که حجاب با الزامات رنگ اونیفورم مدارس هماهنگ باشد به دختران مسلمان اجازه استفاده از حجاب داده شده است. بعد از سال‌ها تلاش مسلمانان برای به رسمیت شناخته شدن مدارس خصوصی مسلمانان و اخذ اعتبارات دولتی، دولت انگلیس امکان استفاده برخی مدارس مذهبی از کمک‌های دولتی را فراهم نمود. برخلاف برخی کشورهای اروپایی، ساخت مسجد در انگلیس چندان بحث‌برانگیز نبوده و تصمیم درخصوص صدور مجوز ساخت مسجد به عهده مقامات محلی است.

در عین حال هنوز محدودیت‌های زیادی در ابعاد قانونی، اجتماعی و اقتصادی برای مسلمانان انگلیس وجود دارد. مسلمانان انگلیس از نظر سطح رفاه اقتصادی، فرصت شغلی و سطح آموزشی، نسبت به خود انگلیسی‌ها و حتی مهاجران غیرمسلمان بسیار عقب‌ترند. دولت

انگلیس براساس قانون روابط نژادی^۱ تبعیض را صرفاً بر مبنای نژادی منع کرده و در حالی که بر همین اساس یهودی‌ها و سیک‌ها را یک نژاد تلقی نموده، از شناسایی مسلمانان به عنوان نژاد امتناع کرده و از گسترش قانون ضد تبعیض نژادی به حوزه تبعیض بر مبنای مذهب که یک دغدغه کلیدی مسلمانان است، خودداری نموده است.

فرانسه

به‌رغم مشکلات و محدودیت‌های مسلمانان در انگلیس، وضعیت مسلمانان و حقوق آنها در فرانسه قابل مقایسه با انگلیس نیست. فرانسه به مراتب توجه کمتری نسبت به تأمین خواسته‌های مذهبی مسلمانان داشته است. دولت فرانسه که بیش از هر چیز با مفهوم لائیسیته شناخته می‌شود، اجازه بروز علایق مذهبی را در مدارس عمومی نمی‌دهد، حتی از یک مدرسه اسلامی در این کشور حمایت مالی نمی‌کند و در موارد زیادی از ساخت مسجد توسط مسلمانان ممانعت کرده است. فرانسه، الگوی تنوع فرهنگی را در مدارس دولتی رد کرده و سیاست یکسان‌سازی را اتخاذ کرده است. دولت فرانسه و بخشی از افکار عمومی این کشور مخالف پوشیدن نمادهای آشکار مذهبی هستند و آن را مغایر نظام لائیسیته می‌دانند. ممنوعیت حجاب اسلامی در مدارس و محل کار از بزرگترین مشکلات دختران و بانوان مسلمان فرانسه است. صدها دختر مسلمان به دلیل امتناع از برداشتن حجاب از مدارس عمومی اخراج شده‌اند. مخالفت‌ها بعضاً تلاش‌های مسلمانان جهت ساخت مساجد بزرگ یا تبدیل برخی ساختمان‌ها به اماکن عبادی را ناکام گذاشته است. سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی مسلمانان فرانسه بسیار پایین‌تر از جامعه میزبان است. مسلمانان اندکی در سطوح بالای سیاست، رسانه‌ها، قوه

1 . Race Relations Act

قضائیه، تجارت و خدمات عمومی فرانسه حضور دارند و هیچ مسلمانی در پارلمان فرانسه حضور ندارد.

آلمان

کشور سوم یعنی آلمان، نماینده یک حد واسط از این سیاست‌هاست. آلمان تا مدت‌ها یک رهیافت بی‌تفاوتی و عدم مداخله را در قبال مسلمانان اتخاذ کرده بود. بر این مبنا به اقلیت‌های مسلمان به عنوان یک پدیده موقتی نگریسته می‌شد که نهایتاً به کشور خود باز خواهند گشت و بنابراین می‌توان آنها را نادیده انگاشت. گرچه آلمان هنوز به طور رسمی دین اسلام را در این کشور به رسمیت نشناخته، بیشتر از فرانسه تمایل داشته تا نیازهای فرهنگی و دینی جمعیت مسلمان خود را تأمین نماید. دولت آلمان چند مؤسسه رفاهی، اجتماعی و فرهنگی اسلامی را بنیان‌گذاری نموده و چند مدرسه اسلامی تأسیس کرده است. در برخی ایالات آلمان، مقامات آموزشی، تدریس اسلام را در دروس مذهبی مدارس عمومی مجاز دانسته و حتی کتاب‌های مربوطه را نیز تهیه کرده‌اند. در آلمان، سیاست‌ها در مورد ساخت مسجد در ایالات مختلف متفاوت است اما در کل، مسأله مانند فرانسه چندان بحث برانگیز نیست. بر خلاف فرانسه، مدارس در آلمان به طور عمومی دخترانی را که مایلند روسری بپوشند پذیرفته‌اند. البته وضعیت برای معلمان مسلمان پیچیده‌تر است. گرچه معلمان در برخی ایالات آزادند تا حجاب داشته باشند، ایالت‌هایی مانند بادن ورتمبرگ و ساکسونی این عمل را به عنوان نقض بی‌طرفی دولت در مقابل مذاهب ممنوع کرده‌اند و این قانون در حال گسترش به ایالت‌های دیگر است.

گرچه قانون اساسی آلمان حق افراد جهت آزادی اعمال مذهبی را مورد حمایت قرار می‌دهد، مسلمانان در

مورد نقض آزادی مذهبی شکایت دارند. عقاید مذهبی مسلمانان اغلب با مقررات آلمان در مواردی چون حقوق خانواده، مقررات کفن و دفن، ذبح حیوانات و شناسایی تعطیلات مذهبی تنافر دارد. همچنین مسلمانان آلمان پس از سال‌ها هنوز نتوانسته‌اند برای نهادهای خود جایگاه نهاد عمومی را کسب نمایند.

به نظر می‌رسد شکل‌گیری سیاست‌ها در مورد حقوق مذهبی مسلمانان متأثر از الگوهای متفاوت رابطه دین و دولت در هر یک از سه کشور مورد بحث باشد. معضل اصلی در مورد تمام این الگوها این است که برتری و اولویت قانون سکولار بر اصول مذهبی را تصریح می‌کند. بنابراین می‌توان گفت دلیل واقعی مشکلات مسلمانان، تعهد اروپایی‌ها به سکولاریسم است.

۴. رهیافت‌های اروپایی در قبال مسلمانان

صرف‌نظر از الگوهای خاص هر کشور، یک وضعیت کلی و عمومی در سطوح افکار عمومی، آکادمیک و سیاسی در اتحادیه اروپایی در خصوص مسلمانان حاکم است و در این رابطه ادبیات عمومی و مشترکی در سطح اروپا شکل گرفته که در قالب مفاهیمی چون همگرایی^۱ و اسلام اروپایی^۲ قابل شناسایی است.

الف. نگرش‌های عمومی در اروپا نسبت به مسلمانان

اروپایی‌ها با ادعای نظام هنجاری و اخلاقی، تلاش می‌کنند چهره‌ای لیبرال و باز از خود در قبال دیگران ترسیم نمایند اما وقتی به طور دقیق به ادعای آنها در مورد تنوع و تکثر فرهنگی می‌نگریم یک تصویر متناقض ظاهر می‌شود. نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که یک سوم اروپایی‌ها همچنین بسیار نژادپرست هستند و اکثریت اروپایی‌ها عقیده دارند که مهاجران تمایل دارند از

1 . Integration

2 . European Islam

نظام رفاه اجتماعی سوء استفاده کنند و حضور آنها یک منبع ناامنی است.

حساسیت نسبت به مهاجران در افکار عمومی اروپا، بیش از همه، مسلمانان را نشانه گرفته است. فضای منفی در مورد اسلام و مسلمانان، منازعات سیاسی داخلی و تبعیض همچنان اقلیت مسلمان اروپا را تهدید می‌کند. هدف قرار دادن مسلمانان و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، در قالب حمله به مسلمانان و اماکن آنها دیده می‌شود. در سال‌های اخیر کشورهایی چون فرانسه، اتریش، ایتالیا، دانمارک، انگلیس و هلند شاهد ورود جنبش‌ها و گرایش‌های حاشیه‌ای افراطی به سیاست و انتخابات بوده‌اند که موضوع اصلی آنها مهاجرت‌ستیزی و اسلام‌ستیزی است.

در پی حملات ۱۱ سپتامبر، دولت‌های اروپایی و مردم آنها توجه بیشتری به مسأله جوامع مسلمان معطوف داشته‌اند. این حادثه و حوادث بعدی در اروپا، باعث امنیتی شدن موضوع اسلام در اروپا شد و برخی از کشورهای اروپایی را بر آن داشت تا الگوی یکسان‌انگاران‌تری از همگرایی در پیش گیرند. مهمترین تحول برگرفته از این حوادث، ممنوعیت رسمی روسری و حجاب در مدارس فرانسه از سال ۲۰۰۴ بود. حوادث یازده سپتامبر، ارتباطی را که در غرب تصور می‌شد بین اسلام و خشونت وجود دارد تقویت نمود و نگرش به اسلام به عنوان معضله‌ای برای غرب را پررنگ کرد. در پی این حملات، مرکز اروپایی نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی (EUMC)، گزارش‌هایی را در مورد واکنش‌های ضد اسلامی در کشورهای عضو اتحادیه منتشر نمود که نشان می‌داد جوامع مسلمان، هدف خشونت روزافزون قرار گرفته‌اند.

البته افزایش ناگهانی توجه عمومی به اسلام در پی حملات یازده سپتامبر، برخی ابعاد مثبت هم داشته است.

در پی این حادثه، فروش کتاب‌ها در مورد اسلام افزایش یافت و صاحب‌نظران و سیاستمداران اسلامی به مهمانان معمول گفتگوهای رسانه‌ای تبدیل شدند. همچنین چند سال پس از این واقعه، ارزیابی‌ها حاکی از آن است که گرایش به اسلام در این مدت شتاب بیشتری یافته است.

شواهد موجود در سطح اجتماعی و نیز در سطح رسمی در قالب رفتار نهادهای امنیتی و پلیسی با مسلمانان اروپا، حاکی از گسترش اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در هر دو قالب رسمی و غیررسمی است. اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی پدیده جدیدی در غرب نیست و می‌توان گفت ریشه در تاریخ اروپا و جنگ‌های صلیبی دارد. در بررسی تاریخ معاصر، چند موج اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی را می‌توان برشمرد: موج اول مشخصاً از دهه ۸۰ میلادی شکل گرفت و ریشه آن به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای گسترده آن در جهان اسلام باز می‌گشت. انتشار کتاب موهن سلمان رشدی را می‌توان اوج این جریان در اواخر دهه ۱۹۸۰ قلمداد نمود. با فروپاشی شوروی و حذف تهدید کمونیسم، تلاش شد خلأ وجود دشمن برای پیشبرد برنامه‌های غرب، با اسلام‌ستیزی پر شود و در این راستا اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در ابعاد دیگری همچون علمی و فرهنگی نیز بروز یافت.

موج دوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را می‌توان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر دانست. در این دوره، رسانه‌های غربی تلاش نمودند این گونه القا نمایند که خطوط تقابلی میان اسلام و غرب نمایان و تشدید شده است. موج دوم اسلام‌هراسی، تعصب علیه مسلمانان را گسترش داد و متأثر از حادثه ۱۱ سپتامبر و تبلیغات رسانه‌ای، رفتارهایی علیه مسلمانان در قالب تبعیض، خشونت و آزار و اذیت شکل گرفت.

موج سوم اسلام هراسی و اسلام ستیزی از هراس اروپایی‌ها از رشد روزافزون اسلام و شمار مسلمانان در اروپا نشأت گرفت. این موج از سال ۲۰۰۵ با انتشار کاریکاتورهای موهن و اهانت‌آمیز به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) توسط رسانه‌های دانمارک و سرایت آن به رسانه‌های دیگر در اروپا آغاز شد و با ساخت فیلم فتنه توسط گرت ویلدرز نماینده پارلمان هلند، اظهارات موهن رود پارسلو کشیش آمریکایی، اظهارات خصمانه پاپ در دانشگاه رگنسبورگ و چاپ مجدد کاریکاتورهای موهن به اوج خود رسید. در واقع این موج هتاکانه‌تر و پیچیده‌تر طراحی و اجرا شده است و در قالب آن اقداماتی چون اهانت و تحقیر و تمسخر اسلام و مسلمانان صورت می‌گیرد.

ب. سیاست ادغام (همگرایی)

بحث ادغام یا همگرایی از مفاهیمی است که بیشتر از دهه ۱۹۹۰ در ادبیات مربوط به مسلمانان اروپا در محافل سیاسی، امنیتی و پژوهشی اروپایی مطرح شده است. همان‌گونه که از ظاهر آن درک می‌شود، به طور ساده می‌توان گفت هدف از ارائه این مفهوم و تبدیل آن به یک رهیافت عمومی در کشورهای اروپایی، ایجاد زمینه‌های لازم جهت ادغام جوامع مسلمان اروپا در جامعه غربی و فرهنگ و ارزش‌های آن است به نحوی که جوامع مسلمان اروپا هیچ‌گونه تهدید مذهبی، فرهنگی و امنیتی برای جوامع میزبان ایجاد نکنند.

امروز در اروپا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان ادغام مسلمانان در ارزش‌های لیبرال دموکراسی را تضمین نمود. تاکنون اروپایی‌ها در تصمیم‌گیری برای اتخاذ راه‌های مؤثر جهت ادغام مسلمانان سرگردان مانده‌اند. گرچه در مورد ضرورت همگرایی و ادغام مسلمانان در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی اروپا، در بین

دولت‌ها و صاحب‌نظران اروپایی اجماع نظر وجود دارد، هنوز الگوی واحدی برای تحقق این امر تدوین نشده و همچنان کشورهای اروپایی شیوه‌ها و الگوهای خاص خود را که شباهت‌هایی با هم دارد در این خصوص پیگیری می‌کنند.

ج. اسلام اروپایی

مفهوم اسلام اروپایی از مفاهیمی است که به ویژه پس از حادثه یازده سپتامبر و در راستای بحث ادغام و همگرایی و با هدف ارائه نسخه‌ای از اسلام که با ارزش‌های اروپایی سازگار باشد، مطرح گردید. اولین بار صاحب‌نظران مسلمان همچون طارق رمضان و بسام طیبی این مفهوم را مطرح نمودند. متعاقباً این مفهوم و راهکارهای تحقق آن در دستور کار دولت‌های اروپایی و نهادهای اتحادیه اروپا قرار گرفت.

بسام طیبی صاحب‌نظر سکولار مسلمان که اولین بار مفهوم اسلام اروپایی^۱ را مطرح کرد، تأکید می‌کند که همگرایی مسلمانان اروپا در گرو اتخاذ شکلی از اسلام است که ارزش‌های سیاسی غرب چون پلورالیسم، مدارا، جدایی دین از دولت و جامعه مدنی دموکراتیک را بپذیرد. مهم‌ترین نظریه‌پرداز مفهوم اسلام اروپایی، طارق رمضان است. وی در کتاب مسلمان اروپایی بودن^۲، با صراحت، امکان نابودی جوامع مسلمان در اروپا در صورت عدم پذیرش فرهنگ و هویت اروپایی را مطرح می‌کند. از منظر وی، اندیشه اسلام اروپایی از این پرسش کلیدی نشأت می‌گیرد که چگونه با حفظ مسلمانی در اروپا می‌توان زندگی آرامی داشت؟

رمضان مسأله بحران هویت را مطرح می‌کند و معتقد است مسلمانان اروپا باید برای خود هویتی خاص

1 . European Islam

2 . To Be a European Muslim

داشته باشند. رمضان می‌گوید: اگر شما یک مسلمان ساکن اروپا هستید، اگر بخواهید به صورت کامل به عضویت جامعه اروپایی و ارزش‌ها و قوانین آن درآیید باید لوازم و تبعات آن را بپذیرید. باید به خود بقبولانید که نه یک مسلمان در اروپا، بلکه مسلمان اروپایی هستید. از نظر رمضان، اسلام اروپایی یک هویت جدید است، همان‌گونه که می‌توان اسلام آفریقایی یا اسلام آسیایی را مطرح نمود و طبیعتاً الزامات و شاخصه‌های اسلام اروپایی با اسلام آفریقایی یا آسیایی متفاوت است.

نقطه چالش برانگیز دیدگاه‌های رمضان، آنجاست که وی تأکید می‌کند فرد مسلمان برای همزیستی و ادغام در جامعه اروپایی نباید از این که بخشی از اصول اعتقادی خود را وانهد بیم داشته باشد. به نظر وی این قدرت و انهدان، بخشی از هویت جدیدی است که فرد مسلمان پیدا می‌کند و این هویت جدید همان اسلام اروپایی است. تعابیر، تفاسیر و انتقادات مختلفی از دیدگاه‌های رمضان صورت گرفته و از راست‌گرایان افراطی اروپا تا بخشی از مسلمانان از وی انتقاد کرده‌اند. برخی محافل فکری و سیاسی اروپا نیز از نظریات وی استقبال نموده و لقب‌هایی چون مارتین لوتر و گاندی جهان اسلام را به وی نسبت داده‌اند. منتقدان مسلمان، برای طرح مفهوم اسلام اروپایی، اهدافی چون استحاله مسلمانان در فرهنگ و هویت غربی و از بین بردن هویت اسلامی در اروپا، ایجاد جدایی و گسیختگی در دنیای اسلام با طرح هویت‌های جدید و متمایز اسلامی در نقاط مختلف، گشودن راه نفوذ و تأثیرگذاری اروپا و مسیحیت در جهان اسلام با ادغام و هضم بخشی از امت اسلامی و تغییر و انحراف در احکام اسلامی را برمی‌شمرند.

از جمله مهمترین اقداماتی که در راستای تحقق مفهوم اسلام اروپایی مطرح شده این که مبلغان و حاملان

اسلام در اروپا، با الگوهای اروپایی سازگار شوند. بنابراین تلاش شده تا ساختارهای محلی برای تربیت امامان جماعت در خود اروپا فراهم گردد. از جمله اقدامات در این راستا، ایجاد شوراهای اسلامی در فرانسه و هلند جهت تعلیم امامان جماعت در راستای فرهنگ اروپایی و ایجاد شورای اروپایی فتوا و اجتهاد^۱ در دوبلین می‌باشد. از سوی دیگر سیاستمداران اروپایی پیشنهاد داده‌اند دولت نقش بیشتری در اداره مساجد ایفا نماید. تشکیل سازمان‌های اسلامی هم با مساعدت و تحت نظر دولت‌های اروپایی، در راستای عملیاتی کردن مفهوم اسلام اروپایی در سال‌های اخیر شدت گرفته است.

چشم‌انداز موفقیت مفهوم اسلام اروپایی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این مفهوم، در مطالبات، گرایش‌ها و نظرات توده‌های مسلمان اروپا ریشه ندارد و بدون نظرخواهی از مسلمانان ساکن اروپا، در سطح برخی نخبگان مسلمان که لزوماً نماینده همه مسلمانان اروپا نیستند مطرح شده و سپس با تغییراتی در دستور کار دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. مطرح کنندگان این بحث چه در سطوح روشنفکری و چه در سطوح سیاسی، توجه خود را صرفاً به تغییر رفتار و نگرش‌های یک طرف (مسلمانان) معطوف نموده و مشخص نکرده‌اند در قالب مفهوم اسلام اروپایی، دولت‌ها و مردم اروپا چه وظایفی برعهده داشته و چگونه باید به حقوق تزییع شده مسلمانان رسیدگی نمایند.

۵. نقش اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا

الف. هویت مسلمانان در اروپا

مسلمانان اروپا به هیچ وجه یک گروه منسجم و یکپارچه نیستند. این عدم یکپارچگی نه تنها در سطح اروپایی بلکه در سطوح ملی هم مشاهده می‌گردد. بنابراین

1. European Council on Fatwa and Research

صحبت از جامعه مسلمانان اروپا خالی از اشکال نیست. مسلمانان اروپا نگرش‌ها و دیدگاه‌های منسجمی ندارند، به لحاظ قومی و فرهنگی متنوع بوده و از بیش از ۳۰ کشور وارد اروپا شده‌اند و نتیجتاً جامعه متحدی را تشکیل نمی‌دهند. در عین حال، مسلمانان اروپا نمی‌توانند اشتراکات میان خود را نادیده بگیرند. مهمترین نقطه اشتراک آنان اعتقاد به دین اسلام است. اخیراً این حس هویت اسلامی با افزایش گرایش مذهبی به ویژه در میان جوانان مسلمان تقویت شده است.

در عین حال به عقیده برخی صاحب‌نظران، فضای بی‌تفاوتی مذهبی در برخی کشورهای اروپایی، تأثیراتی به خصوص بر نسل جوان مسلمان گذاشته و بخشی از نسل دوم و سوم مسلمانان متولد در جوامع سکولار اروپایی در حال بازنگری در هویت و عقاید مذهبی خود هستند و شکل جدیدی از اسلام را ارائه می‌دهند که بیشتر منعکس کننده کشور محل سکونت آنهاست.

در حال حاضر مسلمانان اروپا از خود می‌پرسند که آیا باید (همانند نظر علمای پیشین) اروپا و غرب را به عنوان دارالحراب در مقابل دارالاسلام تلقی نمایند؟ برخی متفکران پاسخ داده‌اند که اروپا دیگر نمی‌تواند به عنوان دارالحراب تلقی گردد زیرا تعداد زیادی مسلمان، تابعیت اروپایی دارند. از نظر این افراد، اروپای حاضر را باید دارالعهد تلقی نمود.

ب. مسلمانان اروپا و چالش‌های موجود

بزرگترین مشکل پیش روی مسلمانان اروپا شرایط اجتماعی و اقتصادی آنهاست. فقدان آموزش و تحصیلات عالی در میان مهاجران مسلمان، فرصت‌های جدید را خارج از دسترس آنها قرار داده است. نتیجتاً نرخ بیکاری در میان مسلمانان بسیار بالا است. در فرانسه نرخ بیکاری مهاجران مسلمان حدود ۳۰ درصد یا بیش از سه

برابر نرخ بیکاری در سطح ملی است. شمار زیادی از مسلمانان در محله‌هایی زندگی می‌کنند که نرخ فقر و جنایت در آنها بالا می‌باشد. علاوه بر مشکلات گسترده اجتماعی و اقتصادی، مسلمانان در مورد حفظ و ادای فرایض و عقاید مذهبی خود در جوامع مبتنی بر یهودیت و مسیحیت و ارزش‌های سکولار و نیز کسب جایگاه در سیاست و فرهنگ جامعه اکثریت دغدغه جدی دارند.

ج. وضعیت مسلمانان اروپا در عرصه عمومی

این اجماع در بین همه صاحب‌نظران وجود دارد که مسلمانان یک اقلیت مهم و تأثیرگذار در اروپا هستند که نقش مهمی در شکل‌گیری آینده این قاره خواهند داشت. امروزه در سرتاسر اروپا زنان زیادی دیده می‌شوند که روسری بر سر داشته و مردانی که لباس اسلامی و محاسن دارند. در بسیاری از خیابان‌های اروپا، فروشگاه‌هایی با زبان عربی و دیگر زبان‌های اسلامی دیده می‌شوند. بسیاری از مهاجران مسلمان در تکاپو هستند تا تبدیل به شرکای کامل‌تری در جامعه اروپایی شوند.

مسلمانان تلاش‌هایی را جهت تبدیل شدن به یک نیروی منسجم در اروپا آغاز کرده‌اند. در این چارچوب، ظرفیت‌های سازمانی محلی و ملی مسلمانان اروپا قابل توجه است. در حال حاضر شمار روزافزونی از سازمان‌های حمایتی اسلامی با مقامات محلی و ملی به چانه زنی می‌پردازند. نیاز دولت‌های اروپایی جهت داشتن طرف صحبت در جوامع مسلمان، این امر را تسهیل می‌کند.

حضور سیاسی مسلمانان در کل اتحادیه اروپایی هنوز ناچیز است. براساس گزارش مرکز فدرال آموزش‌های سیاسی^۱ در آلمان، در کل اروپا تنها حدود ۳۰ نفر مسلمان، نماینده جمعیت بین ۱۵ تا ۲۰ میلیونی

1. Bundeszentrale fuer Politische Bildung

مسلمانان در پارلمان‌های کشورهای اروپایی هستند. در پارلمان اروپا نیز بین دو تا سه نماینده اصالتاً مسلمان حضور دارند که البته لزوماً خود را با نسبت مذهبی خود تعریف نمی‌کنند.

۶. آینده اسلام در اروپا

بحث بر سر چشم‌انداز آینده اروپا در پرتو حضور و گسترش اسلام و مسلمانان از هم اکنون در محافل اروپایی شکل گرفته است. سخنان مختلف پاپ در مورد اسلام، ممنوعیت روبنده در برخی نقاط اروپا و ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه برای دانش آموزان و در آلمان برای معلمان در این جهت ارزیابی می‌شود که اروپا، هراسان از گسترش اسلام در این قاره به دنبال بازیابی روح و هویت خود می‌باشد. حتی تلاش شده از حضور مسلمانان در اروپا به عنوان انگیزه‌ای برای بازگرداندن اروپای سکولار به روح مسیحی خود بهره‌برداری شود.

بحران جمعیتی اروپای آینده و جمعیت روزافزون مهاجران مسلمان در این قاره پیش‌بینی‌های متعددی را در مورد مرگ اروپای مسیحی مطرح نموده که تأکید می‌کند رشد جمعیت مسلمانان اروپا، هویت این قاره را دگرگون خواهد کرد. واژه یورابیا که در سال‌های اخیر در مورد حضور مسلمانان در اروپا مطرح شده، بر این مفروض اشاره دارد که در آینده، اروپا با گسترش بیش از پیش جمعیت مسلمان عمدتاً عرب، متحد دنیای عرب یا حتی زیر مجموعه آن قرار می‌گیرد. بر این اساس، مسلمانان اروپا با توجه به تداوم مهاجرت و نرخ بالای زاد و ولد، در طی چند دهه تبدیل به اکثریت خواهند شد.

در سال ۲۰۰۶ دانیل پایپس و رابرت اسپنسر از چهره‌های نومحافظه کار آمریکا نوشتند که ۷۵۱ محله و منطقه شهری در فرانسه مناطقی مسلمان‌نشین است که دیگران نمی‌توانند به آن وارد شوند. وینسور می‌گوید که

نیمی از نوزادان متولد بروکسل مسلمان هستند. وی همچنین پیش‌بینی‌هایی را مطرح می‌کند که براساس آن، نیمی از جمعیت فرانسه تا سال ۲۰۵۰ مسلمان خواهد بود. البته صاحب‌نظران و محافل مختلفی در اروپا، مفهوم یورابیا را اغراق آمیز و هدفدار دانسته‌اند.

از نگرانی‌های اصلی کسانی که نظریه یورابیا را مطرح می‌کنند این است که در حالی که روز به روز هویت مذهبی و فعالیت‌های دینی مسلمانان در اروپا افزایش می‌یابد، هویت مذهبی و حضور در مراسم مذهبی در کلیسا به سرعت در حال کاهش است و ۴۰۰۰ کلیسای طی ۱۵ سال اخیر تعطیل شده است. در این فضا زنگ خطر برای هویت اروپایی در مقابل هویت اسلامی برای غربی‌ها به صدا درآمده است. علاوه بر افزایش جمعیتی مسلمانان در اروپا، رشد اقبال به اسلام در میان جمعیت بومی اروپا نیز برای سیاستمداران اروپایی و کلیساها نگران کننده است.

سناریوهای آینده اسلام در اروپا

در مورد آینده اسلام و مسلمانان در اروپا چند سناریو مطرح شده است. یکی از سناریوهایی که مد نظر شمار اندکی از مسلمانان اروپا به ویژه روشنفکران سکولار بوده مسیر فرهنگ‌پذیری و اسلام‌زدایی است. در قلمرو دین، این الگو در قالب اسلام‌زدایی یا سکولاریزه شدن جوامع مسلمان می‌تواند منعکس گردد. این سناریو بر آن است که به مرور زمان، مسلمانان اروپایی دیگر اسلام را نه به عنوان دین و ایدئولوژی بلکه به عنوان بخشی از تمدن و فرهنگ اسلامی تلقی خواهند نمود. سناریوی دیگر الگویی از شبیه شدن با جوامع اروپایی را مطرح می‌کند و فرض می‌نماید اسلام بتدریج به بخشی از حوزه خصوصی تبدیل شده و در چارچوب مرزهای مشخص قلمرو مذهب ادامه می‌یابد و نتیجتاً با الگوی مسلط دینی در اروپا هم‌نوا

می‌گردد. سناریوی سوم که احتمال دارد به وسیله شماری از مسلمانان متولد اروپا در پیش گرفته شود همگرایی و ادغام در جوامع اروپایی با تفسیر منابع دینی در قالب اجتهاد است. در همین چارچوب برخی مطرح کرده‌اند که اسلام نه تنها با ساختارهای سیاسی غرب بلکه با نظام ارزشی آن نیز سازگار است. سناریوی بعدی، تشدید انزوای ذهنی و عملی مسلمانان اروپا را مطرح می‌نماید. این سناریو بیان می‌کند که شمار روزافزونی از پیروان اسلام به این نتیجه خواهند رسید که نمی‌خواهند با جوامع دیگر و فرهنگ آنها اشتراک داشته باشند و تلاش می‌کنند یک جامعه بسته برای خود بسازند. سناریوی دیگر در خصوص آینده مسلمانان در اروپا، افراط‌گرایی شدید مسلمانان و شکل‌گیری نوعی برخورد بین مسلمانان و شهروندان اروپایی را پیش‌بینی می‌کند. این الگوی مبتنی بر منازعه مطرح می‌کند که اسلام در آینده ابزاری برای اعتراض اجتماعی و سیاسی در دست برخی گروه‌های مسلمان اروپا خواهد بود که مورد تبعیض قرار گرفته یا خود را قربانی حاشیه‌ای شدن و محرومیت اجتماعی تلقی می‌کنند. آخرین سناریو که بتدریج برای خود جا باز می‌کند، ظهور اسلام به عنوان یک منبع هویت ساز برجسته برای نسل دوم و سوم مسلمانان در اروپاست. اسلام به عنوان یک هویت مطرح شده که پیرامون آن حرکت و جنبش و تحرک سیاسی در داخل جوامع مسلمان اروپا شکل می‌گیرد و گفتگمانی است که به طور فزاینده‌ای همگرایی و همبستگی مهاجران را شکل می‌دهد.

این که کدام یک از این سناریوها غالب شود به عوامل متعددی بستگی دارد. به نظر می‌رسد در نهایت اروپا ناچار است میراث اسلامی در اروپا را پس از میراث‌های یهودیت- مسیحیت و یونانی- رومی به عنوان یکی دیگر از ستون‌های تمدن اروپا به رسمیت بشناسد.

چالش‌های فکری و مفهومی آتی مسلمانان در اروپا

انتظار می‌رود در آینده، شکاف بین نسلی میان نسل اول مهاجران مسلمان به اروپا و نسل دوم و سوم که متولد اروپا هستند در سطوح فکری و مفهومی چالش ساز باشد. نسل جدید مسلمانان ناگزیرند اسلام را در چارچوب هویت اروپایی خود و به عنوان افرادی که در اروپا زاده شده‌اند تعریف نمایند. برخی تلاش کرده‌اند حاصل چنین تأملاتی را مفهوم اسلام اروپایی تلقی کنند که در چارچوب آن آموزه‌های سنتی اسلام و قرآن تحت تأثیر ارزش‌های غربی قرار می‌گیرد. چالش مفهومی و به عبارتی فقهی آنجاست که برای اولین بار در تاریخ اسلام، شمار قابل توجهی از مسلمانان در یک جامعه سکولار به عنوان اقلیت زندگی می‌کنند. آموزه‌های سنتی اسلام، جهان را به دو عرصه دارالاسلام و دارالحرب تقسیم می‌کند. در شرایطی که میلیون‌ها مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند، بناگزر باید نوعی بازاندیشی در این مفاهیم صورت گیرد و در همین چارچوب مفاهیمی چون دارالشهاده یا دارالعهد مطرح شده است.

اگر بخواهیم به چشم‌انداز حضور مسلمانان در اروپا بنگریم، عناصری از بیم و امید را مشاهده خواهیم کرد. به‌رغم وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالای مسلمانان اروپا، بزرگترین چالش پیش روی آنها عدم انسجام فکری و سازمانی و پراکندگی آنها بر مبنای معیارهای ملی، قومی، نژادی و مذهبی و فرقه‌ای است. این عدم انسجام به خوبی مورد توجه دولت‌های اروپایی بوده و آنها تلاش کرده‌اند به این پراکندگی دامن بزنند.

۷. جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان اروپا

صاحب‌نظران مسائل اسلام در اروپا به نقش انقلاب اسلامی ایران به طور کلی و فتوای امام خمینی (ره) در خصوص سلمان رشدی به طور خاص، در هویت بخشی

و ایجاد انگیزش در میان مسلمانان اروپا اشاره کرده‌اند. قدرت الهام‌بخشی انقلاب اسلامی نه فقط در جهان اسلام که در میان مسلمانان ساکن در غرب مورد تأیید و تأکید متفکران و صاحب‌نظران غربی بوده است. حرکت‌های پرشور مسلمانان اروپا در قبال کتاب موهن سلمان رشدی و کاریکاتورهای اهانت بار به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) جلوه‌ای از همین الهام‌بخشی تفسیر شده است.

فضای کلی عبادی و اعتقادی در میان مسلمانان اروپا حاکی از ضمیر پاک و دینداری خالصانه آنان می‌باشد که در فضای سکولار غرب به‌رغم همه فشارها و محدودیت‌ها همچنان پایبندی خود را به فرامین اسلام نشان داده‌اند و این جریان در میان مسلمانان نسل دوم و سوم مهاجران که متولد اروپا هستند نیز ادامه دارد. به جرأت می‌توان گفت این فضای معنوی و عمق دینداری در میان اکثریت مسلمانان اروپا در عین قرار گرفتن آنها در محیطی غیردینی، زمینه‌های به مراتب مساعدتری را برای پذیرش حقایق و حرکت در مسیر اسلام ناب توسط آنان و تأثیرگذاری مثبت بر جوامع اروپایی فراهم نموده است. نسل جوان مسلمانان اروپا به شدت تشنه تعالیم راستین اسلام، به خصوص اسلامی هستند که با مظاهر خردگرایی، علم، تمدن و مردم‌سالاری سازگار باشد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه دار جنبش بیداری اسلامی و ام‌القرای جهان اسلام نمی‌تواند از این قابلیت عظیم در میان مسلمانان اروپا غافل باشد. شناخت ماهیت حضور مسلمانان در اروپا و تأثیرات آن از جنبه‌های مختلف، نیروها و جریان‌های تأثیرگذار بر مسلمانان اروپا، وضعیت تشیع و شیعیان ساکن اروپا از جمله ایرانیان، نوع گرایش‌های مذهبی و سیاسی مسلمانان اروپا و چهره‌ای که از اسلام ترسیم می‌کنند، فعالیت کشورهای اسلامی دیگر برای تأثیرگذاری بر مسلمانان اروپا و نهایتاً

رهیافت‌ها و نگرش دولت‌های اروپایی در قبال مسلمانان این کشورها و الگوهایی که برای جذب آنها ارائه داده‌اند، باید مورد توجه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران در جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

شیعه در اروپا

شیعه در اروپا حوزه غفلت شده مطالعات در مورد اسلام در اروپاست. گرچه در خصوص مسلمانان اروپا که عمدتاً سنی مذهب و از فرقه‌های مختلف هستند مطالعات و پژوهش‌های متعدد از جانب نظریه‌پردازان مسلمان و غربی صورت گرفته است، مطالعات چندانی در مورد شیعیان در اروپا انجام نشده است. به عنوان مثال در خصوص تعداد شیعیان در اروپا آمار قابل‌اتکایی وجود ندارد. از سوی دیگر تاکنون تلاش مؤثری برای منسجم نمودن این نیرو و ایجاد نهادهایی که بتواند همه شیعیان اروپا یا حداقل شیعیان هر یک از کشورهای اروپایی را زیر چتر ارشادی و حمایتی خود قرار دهد صورت نگرفته است. در پرتو شاخصه‌های فراملی شیعه و یافته‌های عمومی در مورد اسلام اروپایی می‌توان این فرض را مطرح نمود که یک سازمان فرامرزی و فراقومی قوی در بین شیعیان در اروپا می‌تواند شکل گیرد و جمهوری اسلامی ایران که به طور مستقیم و غیرمستقیم بیشترین نفوذ و تأثیر را بر اقلیت شیعه اثنی‌عشری در جهان غرب دارد می‌تواند در این راستا نقش ایفا نماید.

جریان‌های عمده اسلامی در اروپا

برای بررسی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های حضور مسلمانان در اروپا برای جمهوری اسلامی ایران، باید به جریان‌های غالب مؤثر بر مسلمانان اروپایی بپردازیم. سه جریان عمده از سوی جهان اسلام، بازیگری و تأثیرگذاری اصلی را در میان مسلمانان اروپا دارند: اول، وهابیت که به شدت از سوی دولت سعودی تبلیغ و حمایت می‌شود و

توانسته نفوذ گسترده‌ای در مساجد و مراکز اسلامی اروپا کسب نماید. دوم، جریان اخوان المسلمین که به طور سنتی از دهه ۵۰ میلادی وارد اروپا شد و در گذر زمان از بخشی از آموزه‌های اصیل خود فاصله گرفت و اکنون از سوی دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس به خصوص کویت و سعودی تغذیه مالی می‌شود و به نوعی در خدمت آنها قرار گرفته است. سوم، اسلام دولتی ترکیه که از سوی دولت ترکیه و در چارچوب نهادهای رسمی با هدف تغذیه دینی مسلمانان ترک در اروپا حمایت می‌شود. جریان‌های دیگر اسلامی در اروپا گرچه بسیار پرشمار و متنوع هستند اما نفوذ و گستره چندانی ندارند و به دلیل ضعف بنیه مالی قادر نبوده‌اند پژواک زیادی داشته باشند. جریان‌های معتدل و خردگرا و پایبند به آموزه‌های اصیل اسلامی در میان همین دسته قرار دارند که گرچه بخش زیادی از توده‌های مسلمان اروپا پیروان طبیعی آنها به شمار می‌روند اما به دلیل در اختیار نداشتن نهادها و منابع لازم نمی‌توانند تأثیرگذاری عمده‌ای داشته باشند.

جمع بندی

بخش قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان اروپا، با وجدان‌هایی پاک و حق‌طلب، پیرو اسلام اصیل بوده و دغدغه اصلی آنها این است که ضمن حفظ هویت اسلامی خود و خانواده‌شان، از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش به عنوان شهروندان اروپا برخوردار شده و هم در عرصه شخصی و هم در عرصه عمومی، اعتقادات

دینی خود را به منصفه ظهور برسانند. صرف نظر از بخش محدودی از مسلمانان که گام در مسیر افراطی‌گری و خشونت گذاشته‌اند، همین توده‌های مؤمن و معتقد مسلمان با اصرار بر عقاید و شعائر دینی و پای فشردن بر مطالبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، باعث نگرانی سیاستمداران اروپایی شده است.

با در نظر گرفتن آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) که جمهوری اسلامی ایران داعیه دار آن می‌باشد، روشن است که الگوها و جریان‌هایی از قبیل اسلام اروپایی، اسلام دولتی ترکیه، اسلام اخوانی و اسلام وهابی، تهدیدی برای الگوسازی و الهام‌بخشی جمهوری اسلامی به شمار می‌روند. اگر در اروپا، اسلام خردگرایانه و اصیل تقویت شود برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت است اما در صورتی که اسلام مورد نظر جریان‌های مذکور در اروپا حاکم شود، بدیلی برای اسلام انقلابی شیعی به شمار رفته و برای جمهوری اسلامی ایران یک چالش خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران باید به توان فوق‌العاده مسلمانان در اروپا توجه نموده و با در نظر گرفتن چشم‌انداز روشن آنان در آینده، تلاش نماید الگویی خردگرا، معتدل و اصولگرا از اسلام را به آنها معرفی و ارائه نماید.

خلیل شیرغلامی

مرکز مطالعات اروپا